

شعرها برای که سروده شده‌اند؟

O انسیه موسویان



- O عنوان کتاب: بهار کی می‌آید
- O سروده: علی باباجانی
- O تصویرگر: محمدعلی بنی‌اسدی
- O ناشر: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت
- O نوبت چاپ: اول ۱۳۸۳
- O شمارگان: ۱۰/۰۰۰ نسخه
- O تعداد صفحات: ۲۴ صفحه
- O بها: ۶۵۰ تومان

کتاب «بهار کی می‌آید» را که باز می‌کنم، بوی بهار در همه جا می‌پیچد. از لابه‌لای برگ‌های رنگی کتاب، بیت‌ها و مصراع‌ها و تصاویر آن، می‌شود عطر بهار را استشمام کرد. بهار همان مسافری است که از آن سوی دریا، با کاروانی از ترانه و پرند می‌آید:

مسافر آمد از آن سوی دریا
دلش را آسمان چشم ما کرد
برای خواندن اشعار سبزش
کتاب ابری‌اش را باز واکرد
برای پنجره نور و ترانه
برای قاصدک‌ها بال آورد
برای کفش‌دوزک‌های کوچک
لباسی غرق رنگ و خال آورد

(شعر مسافر)

بهار همان کسی است که با هدیه‌های خود - سلام درختان و پیام نسیم - دل بی‌قرار را شاعر می‌کند:

هر درختی سلامی به من داد
هر نسیمی پیامی به من داد
از همین هدیه‌های بهاری
بادلی غرق در بی‌قراری
گفتم ای آیه‌های خدایی
معنی پاک و بی‌ریایی
تا شما با دلم آشناید
شاعر لحظه‌هایم شمایید

(شعر هدیه‌های بهاری)

حتی آن جا که شاعر از زمستان و نگاه سرد

پنجره‌ها حرف می‌زند، باز حضور بهار و امید آمدن او را در صدای غمگین نی‌لیک می‌توان احساس کرد:
میان برف و بوران
صدای نی می‌آید
خدای مهربانم
بهار کی می‌آید؟

(شعر زمستان)

در این مجموعه، شاعر سه قالب شعری را تجربه کرده که چارپاره که قالبی آشنا و شناخته شده در شعر کودک و نوجوان است، بیشترین تعداد شعر را به خود اختصاص داده. دو شعر در قالب نیمایی و یک شعر هم در قالب مثنوی است. تلاش شاعر برای سرودن شعر در قالب‌های دیگر، تلاشی ارزشمند و بیانگر این نکته است که می‌توان از قابلیت‌های بالقوه و ظرفیت بالای سایر قالب‌ها هم برای شعر کودک استفاده کرد. می‌توان خیلی «قالبی» فکر نکرد و شعرهای خوب سرود. مثنوی «هدیه‌های بهاری»، از شعرهای خوب این مجموعه است که مصراع‌هایی کوتاه، قافیه‌هایی ساده، زبانی روان، صمیمی و یکدست دارد. در این شعر، تصویرهای شاعرانه و خیال‌انگیز زیبایی هم می‌بینیم:

خواستم با سلامی به یک یاس
پرکنم دفترم را از احساس
آمد از راه بر شانه باد
بوی خوب تنش را به من داد
چشمه حرفی از آینه می‌گفت
از دل صاف و بی‌کینه می‌گفت

شمع، پروانه‌اش را به من داد
گرمی خانه‌اش را به من داد
هر درختی سلامی به من داد
هر نسیمی پیامی به من داد
شد سراسر تمام دلم شعر
شد جواب سلام دلم شعر...

(شعر هدیه‌های بهاری)

حضور عنصر خیال در شعرهای این مجموعه کم‌رنگ است، اما گاه به تصویرهای خیال‌انگیز زیبایی برمی‌خوریم:

دوباره اتفاق سبزی افتاد
درون شاخه‌های خشک یک بید
صدای مهربان پیچکی سبز
دوباره در تمام خانه پیچید
که در بیت آخر، شاعر ایهام زیبایی در کلمه پیچک و پیچیدن به کار برده است.

به جز سه شعر مهمان نخل‌ها، مادر و سپیده جاری، شعرهای دیگر این کتاب به لحاظ موضوعی، همگی به وصف طبیعت و جلوه‌های آن، به ویژه بهار می‌پردازند. شاید این جمله چندان صحیح به نظر نرسد اگر بگوییم موضوع‌هایی که شاعر برای سرودن انتخاب کرده، تکراری‌اند.

موضوع یک مقوله کلی است و موضوع‌های دنیای پیرامون ما محدودند؛ جنگ صلح، زندگی، مرگ، غم، شادی و... از دیرباز این مقوله‌ها الهام‌بخش شاعران و نویسندگان و هنرمندان، برای آفرینش آثارشان بوده است. طبیعت نیز یکی از

موضوع هاست.

اما آن چه به یک شعر تشخیص و ارزش می‌بخشد و آن را از سایر اشعار سروده شده در همان موضوع متمایز می‌کند و یا برتری می‌دهد، نوع نگاه شاعر به هر موضوع است. هر شاعر از دریچه نگاه و نیز تجربیات خود، به یک پدیده می‌نگرد. هر چه این نگاه تازه‌تر و تصویرهای شعر نوتر و خلاقانه‌تر باشد، شعر از ارزش هنری بیشتری برخوردار خواهد بود.

در نگاه شاعر، بهار این‌گونه توصیف می‌شود:

یک بار دیگر آمد از راه

با کاروانی از ترانه

شد خانه‌ها غرق پرند

شد هر نگاهی شاعرانه... .

یک بار دیگر آمد از راه

با کاروانی از پرند

روید بر لب‌های مردم

تبریک عید و عطر خنده... .

(شعر عطر خنده)

این تصویرها شاعرانه و خیال‌انگیز، اما تکراری‌اند؛ یعنی شبیه همان توصیف‌هایی هستند که بارها و بارها در شعر سایر شاعران خوانده‌ایم. گاه حتی بیان شاعر نیز به بیان روایی عادی نزدیک می‌شود:

آمد بهار و با سلامی

یک عالمه زیبایی آورد

(شعر عطر خنده)

این بیان تکراری، باعث شده تا اغلب شعرهای این مجموعه، تقریباً در یک حال و هوا سیر کنند. این موضوع می‌تواند خواننده شعرها را دچار کسالت کند؛ گویی حرف‌های شاعر همه شبیه هم و تکرار هم است. در کل از فضاهای متعدد و متنوع در شعرهای این کتاب، نشانی نیست.

در کتاب «بهار کی می‌آید»، سه شعر برای سه شخصیت سروده شده است: شعر مهمان نخل‌ها برای حضرت علی (ع)، یک شعر برای مادر و شعر سپیده جاری برای حضرت امام خمینی (ره). در هر سه شعر، با توصیف‌هایی کلی روبه‌رو هستیم. به عنوان مثال، در شعر مهمان نخل‌ها شاعر نکوشیده تا جلوه‌های تازه‌ای از زندگی و شخصیت والای آن حضرت را برای مخاطب ارائه کند. امام علی (ع)، در این شعر نیز مانند سایر شعرهایی از این دست، «به خانه‌های خالی از پدر / می‌برد سرور و نان تازه را» و یا «در دل شب عاشقانه می‌رود / میهمان نخل پیر می‌شود».

حوزه واژگانی شاعر هم محدود به همان کلمات همیشگی است: نخل، ستاره، شب، نان، کودکان بیتیم و... .

در شعر «مادر» باز هم مادر همان موجود غرق احساس، سبز و بی‌ادعاست که در قالب تشبیهاتی چون گل و فرشته توصیف می‌شود:

بهتر از این چه می‌خواهی ای گل



در این مجموعه، شاعر

سه قالب شعری را تجربه کرده

که چارپاره که قالبی آشنا و

شناخته شده در شعر

کودک و نوجوان است،

بیشترین تعداد شعر را

به خوداختصاص داده.

دو شعر در قالب نیمایی و

یک شعر هم در قالب مثنوی است.

تلاش شاعر برای سرودن شعر

در قالب‌های دیگر، تلاشی ارزشمند

و بیانگر این نکته است که می‌توان

از قابلیت‌های بالقوه و

ظرفیت بالای سایر قالب‌ها هم

برای شعر کودک استفاده کرد

ای فرشته که جای پاهایم است

آسمانی پر از باغ هستی

مادرم زیر پایت بهشت است

(شعر مادر)

شعر سپیده جاری هم از آن دسته سروده‌هایی است که گرچه برای یک فرد خاص سروده شده، شامل توصیف‌هایی کلی و فراگیر است که برای هر شخصیت دیگری نیز می‌تواند مصداق بیاید.

گاهی تعمیم‌پذیری و کلی بودن برای یک اثر، حُسن به حساب می‌آید و آن، زمانی است که شاعر بتواند رویدادهای عادی، شخصی و روزمره را به حکم‌هایی کلی، محکم و جاودانه در زندگی همه

آدم‌ها تبدیل کند. به عنوان مثال، اگر شاعر برای مادر یا فرزند خود شعری می‌سراید، فقط از رابطه شخصی و فردی میان دو انسان خاص سخن نمی‌گوید، بلکه به گونه‌ای سخن می‌گوید که شعرش برای همه مادران یا فرزندان دیگر هم مصداق داشته باشد؛ شعری که در حصار زمان، مکان و شخص خاصی نباشد. بلکه جهان شمول و فراگیر باشد. اما گاه ممکن است همین کلی و فراگیر بودن، نه تنها حسن به حساب نیاید، بلکه از قوت و صمیمیت شعر بکاهد. به عنوان مثال، زمانی که شاعر برای شخصیت شناخته شده و مشهوری چون حضرت امام (ره) شعر می‌سراید، باید بکوشد به جای توصیف ویژگی‌های کلی و عام که همه از آن مطلع هستند. جلوه‌هایی خاص از زندگی و شخصیت آن بزرگوار را با نگاهی که خاص خود شاعر است، در قالب تصاویر شاعرانه ارائه کند. به این ابیات دقت کنید:

او مثل پرند گرم پرواز

در آبی پاک آسمان بود

مانند بهار، شادی‌آور

با باغ و پرند مهربان بود

پیشانی او نشانی از نور

در چشم و دلش دعای باران

برگونه او سپیده جاری

همرنگ نگاه چشمه‌ساران... .

به راستی، اگر شاعر در بالای صفحه ننوشته بود «برای امام خمینی (ره)» کدام مصراع یا بیت نشان می‌داد که شعر برای چه کسی سروده شده است؟

نکته دیگری که خوب است در این جا به آن اشاره شود، نامناسب بودن برخی از شعرهای این کتاب با گروه سنی مخاطب است. مخاطب این کتاب، گروه سنی «ب» و «ج» است؛ یعنی کودکان مقطع دبستان. شاعر کودک، زمانی در کارش موفق است که علاوه بر نزدیکی و انس و الفت با دنیای کودک، شناخت مناسبی هم درباره دایره واژگانی کودک، زبان او و حیطه درک ذهنی و حسی گروه سنی موردنظر خود داشته باشد.

او می‌تواند گاه با استفاده مناسب و به جا از واژه‌های تازه، به گسترش ذخیره واژگانی کودک کمک کند. به عنوان مثال، کاربرد واژه «ارزانی» در این بیت که گرچه در محدوده واژگانی گروه سنی «ب» و «ج» نیست، کودک می‌تواند به راحتی با پرسیدن، به مفهوم آن پی ببرد و آن را به گنجینه لغات خود بیفزاید: «هر باغچه گل‌های خود را / ارزانی پروانه‌ها کرد». اما گاهی واژه‌ها در کنار هم ترکیباتی می‌سازند که درک معنا و مفهوم آن برای کودک بسیار دشوار است:

خدا همیشه می‌دهد به صحرا

هوای خیس و رویشی دوباره

و می‌دهد به دست آسمان‌ها

پرنده‌های روشن ستاره

شاعر ناگزیر است برای رعایت وزن، برخی از کلمات را به شکل مشدد و یا شکسته به کار ببرد، کاربرد کلمات به این شکل و یا پس و پیش کردن اجزای جمله به ضرورت وزن و موسیقی در شعر بزرگسال، کاملاً پذیرفتنی است، اما شاعر کودک باید بکوشد تا حد امکان، بافت طبیعی و روال عادی جمله را حفظ کند تا کودک در درک مفهوم شعر، خواندن صحیح آن و به خاطر سپردنش دچار مشکل نشود



به راستی، درک کودک از ترکیب «پرنده‌های روشن ستاره» چیست؟ کودک اجزای این ترکیب را تنها و به صورت جدا از هم (پرنده، روشن، ستاره) می‌شناسد و درک و دریافت صحیحی از کلیت آن ندارد. دنیای او، دنیای تصاویر زنده، محسوس و ملموس است و برای ذهن کودک، دریافت تصاویر پیچیده و انتزاعی دشوار است.

در جای دیگری شاعر می‌گوید:

درخت و این همه برف

کلاغ و این همه حرف

و قارقار خود را

چقدر می‌کند صرف...

«صرف کردن فعل قارقار»، اگرچه تصویر تازه‌ای

است، در محدوده سنی و تجربیات کودک گروه «ب» و «ج» نیست.

در چند بند از شعر «هوای تازه» که به دلیل قوت عنصر خیال و وزن تازه و کم‌کاربردی که شاعر برای آن انتخاب کرده و احساس سرشار شاعر، یکی از بهترین شعرهای این مجموعه است، شاعر فعل «گفت» را به قرینه لفظی حذف کرده است.

این حذف به زیبایی و ایجاز شعر کمک کرده، اما چون ذهن کودک با جمله‌های روان ساده و کامل آشناست، این حذف‌ها را بر نمی‌تابد و ذهن او برای درک و دریافت مفهوم شعر دچار گسستگی می‌شود:

خدا به کوچه‌ها نسیم داده

که پر شود در آن هوای تازه

به دانه و جوانه شوق رویش

به شاخه‌ها پرنده‌های تازه

خدا به آفتاب گفت: برخیز

به قلب‌ها: که شاد و مهربان باش

به پنجره: به روشنی تو و آباش

به چشم‌ها: تو مثل آسمان باش

به ابرها: بیار در دل خاک

به هر پرنده گفت: بال واکن

به آسمان: نسیم را رها کن

بیا و لحظه‌ای مرا صدا کن...

(شعر هوای تازه)

گاهی شاعر ناگزیر است برای رعایت وزن، برخی از کلمات را به شکل مشدد و یا شکسته به کار ببرد، کاربرد کلمات به این شکل و یا پس و پیش کردن اجزای جمله به ضرورت وزن و موسیقی در شعر بزرگسال، کاملاً پذیرفتنی است، اما شاعر کودک باید بکوشد تا حد امکان، بافت طبیعی و روال عادی جمله را حفظ کند تا کودک در درک مفهوم شعر، خواندن صحیح آن و به خاطر سپردنش دچار مشکل نشود.

به عنوان نمونه، کلمات «قالی و زندگی» که به ضرورت وزن باید به صورت مشدد تلفظ شوند در ادبیات ذیل، از روانی و صمیمیت شعر کاسته‌اند:

قالی یکرنگ زمستان

چقدر می‌کند صرف

○

نگاه پنجره سرد

تمام باغچه زرد

ببین که این زمستان

چه بر سر گل آورد

○

شکسته در دل آب

نگاه گرم مهتاب

شب است و هرکسی هست

درون خانه‌اش خواب

○

میان برف و بوران

صدای نی می‌آید

خدای مهربانم

بهار کی می‌آید؟

لبریز از گل‌های تر شد
(شعر عطر خنده)

آب عطر بارشی دوباره است

روی دست‌های خاک

زندگی تازه‌ای است

در میان ساقه‌های تاک

(شعر بهار آفرین)

شعر «زمستان» صرف‌نظر از بیت دوم آن که در حیطه درک مخاطب نیست (چنان که در سطور پیشین اشاره شد)، به لحاظ شروع خوب، تصاویر موجز و شاعرانه و پایان‌بندی سرشار از امید و آرزوی آن، یکی از بهترین شعرهای این کتاب است که در پایان آن را مرور می‌کنیم:

درخت و این همه برف

کلاغ و این همه حرف

و قارقار خود را